



۲۰۱۶/۱۰/۲۳



عبدالجلیل جمیلی

## از هر جا سخنی

بخش دوم

## طرز لباس پوشیدن ز عمای جهان تا فیشن شوی مانیکن افغان!

هموطنان با درایت و منور! درین ایامی که/ میرمن هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ/ کاندیدان دوحزب/ دیموکرات و جمهوریتخواه/ برای احراز کرسی ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا باهم دست و پنجه نرم کرده و از هر طریقی و تحت هر عنوانی سعی دارند رقیب خود را قبل از روز رأی دهی عمومی/ ۸ نوامبر ۲۰۱۶/ فاقد اعتبار معرفی کنند/ که توضیح مفصل آن خارج بحث ما می باشد/ در چوکات همه موارد - طرز لباس پوشی و سلیقه هر یک شان به تناسب اشتراک شان در هر یک از مجالس و مناظره از دید مطبوعات دُور مانده و آنچه در سطور پایان از نظر می گذرانید مشعر بر همین موشگافی مطبوعات و صاحبان استدلال و قلم است که درعین حال در همچو موردی بعضی از چهره ها و سیاسیون معروف جهان را مورد ارزیابی قرار می دهند. چنانچه "لیبی بنیکس" مؤرخ ۵ اکتوبر ۲۰۱۶ در پی بی بی سی می نویسد:

### لباس پوشیدن کلینتون و ترامپ چه نکاتی را بر ملا می کند؟



در طول کارزار انتخاباتی امریکا در اولین مناظره، زیرا بر علاوه شخصیت و سیاست مداری این دو نامزد انتخابات ریاست ظاهرأ شیوه لباس پوشیدن آنها نیز زیر ذره بین بوده است.

هیلاری کلینتون به عنوان اولین زنی که از سوی یک حزب عمده آمریکا برای ریاست جمهوری نامزد شده طی ماه های گذشته به شدت زیر نظر بوده است. علاوه بر سیاست ها و دیدگاه ها، ماجرای استفاده از ایمیل های شخصی و مناسبات خانوادگی، حتی شیوه لباس پوشیدنش هم موضوع تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در هیچ کشوری تمرکز روی شیوه لباس پوشیدن و مدل مو در فضای سیاسی به اندازه آمریکا نیست. به عنوان مثال مفسران ساعت ها و بارها در مورد جاکت دامن سفیدی که خانم کلینتون در اجتماع سراسری حزب دموکرات پوشیده بود صحبت کردند. برخی گفتند او در نظر داشته نوعی بارقه امید را القا کند. همچنین گفته شد او خواسته با این جاکت دامن سفید، اشاره ای به لباس زنان در هنگام جنبش کسب حق رأی کند. و بالاخره شماری آن را انعکاسی از پس زمینه سفید پرچم آمریکا توصیف کردند.

دونالد ترامپ نیز تا حدی کمتر از خانم کلینتون زیر ذره بین بوده. او به خاطر پوست برونزه اش، مدل دریشی هایی که می پوشد، مدل مویش و حتی اندازه دست هایش مورد تمسخر قرار گرفته است.

وقتی موضوع رهبری یک کشور در میان است همه این نکات ممکن است مسخره و یا حداقل بی ربط به نظر بیایند. ولی ساده لوحی خواهد بود اگر فکر کنیم که ظاهر در سیاست مهم نیست. حقیقت این است که سیاستمداران امروزی هم به مضمون توجه دارند و هم به ظاهر. البته نه در افغانستان ما - زیرا میراث کرسی صاحب موقف خودش را دارد! و البته این موضوع جدیدی نیست. در دهه شصت میلادی وقتی که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به رویداد تلویزیونی بدل شد، به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران ظاهر شیک و جذاب کندی در پیروزی او بر نیکسون نقش مهمی داشت.

تحقیق ها نشان می دهند که در سیاست بیش از آنچه که حاضریم بپذیریم ظاهر افراد موثر است. در تحقیقی که الکساندر تودورف از پوهنتون پرینستون انجام داده و نتایج آن در سال ۲۰۰۶ در مجله علوم روانشناسی منتشر شد، داوطلبانی که برای یک لحظه عکس نامزدهای ناشناس را دیده بودند توانستند حدود ۷۰ درصد از افراد پیروز در انتخابات کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۶ را پیش بینی کنند. از چنین منطری، اظهار نظر مارک روبرو در مورد دست های کوچک دونالد ترامپ فراتر از یک تمسخر ساده بود، به این وسیله می خواست توانایی آقای ترامپ برای رهبری را زیر سؤال ببرد.

کوری روچ متخصص مود که هم در میان هنرپیشه های هالیوود و هم سیاستمداران و اشنگتن مشتریان دارد، می گوید: "ما در جامعه ای زندگی می کنیم که جنبه های بصری بسیار برجسته اند. مود لباس و آرایش یک زبان جهانی است و چه باور کنید و یا نکنید، یکی از اولین و پایدارترین عناصر گذاشتن تاثیر روی دیگران است.

دکتر ربکا آرنولد استاد تاریخ لباس و پارچه در موسسه کورتوا نیز موافق است که توجه به نحوه لباس پوشیدن سیاستمداران در دوران شبکه های اجتماعی افزایش یافته است. او می افزاید: "این نمایانگر فرهنگ ما به طور کلی است. امروزه در مورد ظاهر و نحوه ارائه خود حساسیت و وسواس بیشتری داریم و رسانه های دیجیتال آنرا تشدید کرده اند".

دکتر آرنولد می افزاید هنوز هم زنان بیشتر زیر ذره بین هستند. "هنوز هم روی زنان تمرکز بیشتری می شود و آنها جاکتی را که به شیوه معمول لباس پوشیدن مردها بدل شده ندارند. در عین حال باید یادآوری کرد که این توجه و حساسیت نه فقط زنان سیاستمدار بلکه همه زنان را شامل می شود و سلیقه و نحوه حجاب آنها با قساوت بیشتری مورد قضاوت قرار می گیرد.

لاورن روثنم آگاه مسائل مود در واشنگتن معتقد است دلیل این وضعیت تاحدی این است که هنوز زنان در عرصه سیاست سرمشق های زیادی ندارند. "ما از زنانی که در سطوح قدرت و تصمیم گیری باشند سرمشق زیادی نداریم. اما در مقابل نحوه لباس پوشیدن مردان چندان مورد توجه قرار نمی گیرد. برای مردانی که در سیاست و مدیریت کشور هستند یک اونیفورم مشخص وجود دارد که دریشی سرمه ای، پیراهن سفید و نکتائی های آبی و یا سرخ است. ولی چنین چیزی هنوز برای زنان خلق نشده است. به نظرم به موازات پیشرفت زنان و در هم شکستن موانع موجود شاهد ظهور نمونه های بیشتری از نحوه لباس پوشیدن زنانی خواهیم بود که در قدرت هستند.

## اول زنان

معمولاً بانوان اول و همسران سیاستمداران در زمینهٔ مود لباس در خطرند. انگلا مرکل لباس هایی شبیه کرتی و پتلون های مردانه را برگزیده است. احتمالاً از نگاه او در دنیایی که زمانی در احاطهٔ کامل مردان بوده برای اینکه یک زنی که با قدرت به نظر برسد باید مثل مردان لباس بپوشد. گروه دیگری از رهبران زن از جمله میشله باشله، رئیس جمهور شیلی، دیلما روسف رئیس جمهور برکنار شده برازیل و تا حدی هم نیکولا استورجن و صدراعظم اسکاتلند از همین منش پیروی می کنند. اما مارگارت تاچر با پوشیدن شال گردن های پرچین، گردنبندهای مروارید و دسکول نمونه از خود خلق کرده بود که به مرز کاریکاتور نزدیک می شد. کریستینا فرناندز کرشنر رئیس جمهور سابق آرژانتین نیز به خاطر لباس های زنانه و پر از تور دوزی خود شهرت داشت.

اکنون هیلاری کلینتون و ترزا می دو سیاستمدار زن در قدرت، تصورات از نحوه لباس پوشیدن متناسب را تغییر میدهند. علاقه آشکار ترزا می صدراعظم انگلیس به مود لباس که آنرا می توان در گردنبندها و پوشیدن لباس های دوخت طراحان مشهور بخوبی دید از پیش بر همه روشن بوده است. صدر اعظم بریتانیا نشان داده که لذت بردن از مود و همزمان مذاکره در مورد نحوه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تناقضی ندارند. این برای زنان جوان پیام مثبتی است، به این معنی که در عین توجه



و علاقه به مود می توانند عهده دار یک شغل مهم شوند. روزی که او با بوت های گری بلند با نقش پلنگی و کرتی دوخت آماندا و کلی در برابر دفتر صدارت ظاهر شد قبل از اینکه مضمون سخنرانی او درک و تحلیل شود عکسهایش در سراسر اینترنت پخش شد. به نظر می رسد که صدراعظم جدید بخوبی دریافته است که مود لباس یکی از معدود زبانهای جهان شمول است. در مورد ترزا می، علاقه به مود و لباس چهره او را انسانی تر کرده و به شخصیت خشکش لایه دیگری افزوده است.

دیوید کامرون صدر اعظم قبلی بریتانیا نیز از همین شیوه استفاده می کرد و زمانیکه قصد داشت چهره حزب محافظه کار را تغییر دهد بوت های ورزشی مودل کانورس پوشید.

هیلاری کلینتون شاید به اندازه ترزا می عاشق مود و لباس نباشد ولی شکی نیست که اهمیت آن را می داند. از کارزار انتخابات ریاست جمهوری قبلی برخوردارش با این موضوع تغییر کرده است. برای کمک به بهبود چهره خود کریستینا شیک، مشاور مود سابق میشل اوباما و یک متخصص آرایش را استخدام کرده است.

او حتی در وگو آمریکا، مجله مودی که قبلاً از آن دوری می کرد، ظاهر شد. یکباره چرم و مهره و تعداد زیادی لباس های مارک آرمانی به الماری لباس خانم کلینتون افزوده شده است.

لاورن روئمن می گوید: "دفعهٔ قبل که خانم کلینتون در انتخابات شرکت کرد وجه مشخصه استیل او این بود که مثل مردها لباس می پوشد. اما اکنون از زنانگی به عنوان یک ارزش بهره می گیرد و نحوهٔ لباس پوشیدن روشی برای انتقال آن است، چه در مواقعی که در قالب مادر و یا مادر کلان ظاهر می شود و یا وقتی که عکسی از لباس هایش را روی اینستاگرام می گذارد، می خواهد تأکید کند که یک زن است.

بزبان دیگر مود لباس به سلاخی بدل شده که خانم کلینتون میتواند آن را در ستراتیژی سیاسی خود بگنجانند. **چقدر واقعی است؟** دکتر ربکا آرنولد معتقد است روش برخورد و تحلیل درست ما از نحوهٔ لباس پوشیدن سیاستمداران، چه زن و چه مرد، نه مود روز بودن آن بلکه باید رمز گشایی اهداف آنها می باشد. به نظرم اکثر سیاستمداران از مود روز پرهیز می کنند و نحوه لباس پوشیدن آنها بیانگر ارزشهایی است که می خواهند منعکس کنند.

لاورن روٹمن موافق است و می افزاید: این بخشی از پیام مطبوعاتی به شیوه بصری است. خیلی از سیاستمداران آرزوی شان این است ظاهری داشته باشند که اصطلاح مخصوص سیاستمداران است. چون باوجود اینکه بسیاری از سیاستمداران بد لباس می پوشند ولی نباید پنداشت که لباس پوشیدن را بلد نیستند.

این نکته ما را به "جرمی کوربین" رهبر حزب کارگر برتانیه می رساند. سیاستمداری که از سوی بسیاری و حتی مادر دیوید کامرون، صدراعظم سابق به خاطر بی توجهی به استاندارد های لباس پوشیدن در سطوح عالی سیاست برتانیه مورد انتقاد قرار گرفته است.

کوری روچ می گوید برای مشتریان سیاستمدارش در واشنگتن قیمت همیشه موضوع حساسی است چون نمی خواهند لباس هایی بپوشند که از نظر قیمت با لباسهای مردم معمولی خیلی تفاوت داشته باشد. او به جو بایدن اشاره می کند که "به خاطر پوشیدن یک دریشی ۸۰۰ دلاری به شدت مورد حمله قرار گرفت و این درحالی است که قبل از ورود به سیاست فرد متمولی بوده است." فرانسوه اولاند رئیس جمهور فرانسه نیز به خاطر مصرف کردن ۱۰ هزار دالر در سال برای لباس و خیاطی به همین سرنوشت دچار شد.

لاورن روٹمن می گوید دونالد ترامپ مراقب این نکته است. " او سعی می کند شبیه آنچه که شیوه معمولی لباس پوشیدن سیاستمدار هاست لباس بپوشد. دریشی های دست دوز و اعلا را در تن او نمی بینیم و معمولاً دریشی هایی که در دوره اخیر می پوشد یک نمبر بزرگ ترند. دونالد ترامپ تصمیم دارد به جای یک میلیونر وال ستریت شبیه سیاستمداران لباس بپوشد و این به افزایش حمایت از او کمک می کند.

دریشی های کشاد و بی قواره در حقیقت فاصله گرفتن از دریشی های خوش دوخت و پیراهن های بدون نکتائی است که باراک



اوباما می پوشید و آستین های آنرا گاه بالا می زند. مشخصات ظاهری دونالد ترامپ را می توان رجعت به اواسط دهه هشتاد میلادی و ریگانیزم تلقی کرد که جمهوری خواهان معمولاً از آن به عنوان "دوران خوش گذشته" امریکا یاد می کنند.

آقای ترامپ در تمام دوران کارزار انتخاباتی به دریشی های سرمه ای وفادار مانده و هیچگاه لباس های راحت تر و یا سپورتی به تن نکرده است. گاهی اوقات نکتائی

را کنار گذاشته و کلاه بیسبال با شعار "عظمت را به امریکا برگردانیم" را می پوشد ولی دریشی سرمه ای دست نمی خورد. این روش لباس پوشیدن بخشی از دیدگاه او برای رهبری کشور به شیوه رؤسای شرکت هاست و نمایشی از مدیران اقتصادی دیرینه را به ذهن می آورد.

دونالد ترامپ حتی قبل از شرکت در مبارزات انتخاباتی اهمیت وجهه ظاهری را بخوبی درک می کرد. مودل آرایش موی او و پوست برونزه اش ممکن است در دهه های اخیر مورد تمسخر قرار گرفته باشد ولی به او کمک کرده چهره متمایزی داشته باشد و آنچه را که به آن اعتقاد دارد می خواهد در ذهن رای دهندگان حک کند.

=====

و اما در کشور جهنم نمای ما که نه شهدای برحق مردمی ما کفن می یابند و نه زنده های ما چین! و زبان و قلم آدمیت از شرح بیچارگی ها و فقر و دربدری های این ملت فقیر و نسل یتیم و یسیر و آواره و بی سر پناه ما عاجزند و خجل! جناب جنرال عبدالله خون عبدالله موژاخید بزرگ - سابق رئیس ارکان مقتدر لشکر شورای نظار دور قیادت شهید احمد شاه مسعود رهبر معظم قسمتی از مقاومت که در قتل عام مردم بینوای افشار و جبهات مختلف آن زمان لکه های خونین بر شماری بر دامان خود داشته و امروز هم بر ملت افغان گشته گدای افغان ناز می فروشند باوجود عبادات تظاهری منحیث/ بنده فرمان

بردار خدا/ و داد بر خدمت مردم!! یکی از چهره های سرشناس و مُعرف مود روز شیک پوشی در جهان و مخصوصاً در شرق پنداشته می شود که اگر شما دوستان ارجمند رموز فهم؛ حد اقل توجه تان را بر همین البسه نمونوی مشت نمونه خروار این مانیکن روزگار وطن فقیر ما معطوف دارید سلیقه و استعداد جنس لطیف کش و ی را هرگز فراموش کرده نمی توانید که این همه مشت نمونه خروار عبدالله خان مجاهد ماست:



و اما اگر بر چشم حمید گل و خریدارانش نشینند - به جز عبدالله خون فروشی کسی دیگر نبینند!



و اما باور کنید هنوز هم استند کسانیکه با ریزه خوری دامان این ملت میلیونر دزد بی امان دارائی و عواید ملت و قاچاق بر زمرد و بیروچ و این رئیس ارکان سراپا غش افشارکش در زمانش - و یا تحت عنوان نژاد پرستی و قومیت هنوز هم به وزن سنگ چارکی دنباله رَوش استند و این تبه کار دیروز افغانیت را افغانستان ساز می شمارند.  
دوستان ارجمند درین ایام مغازه معروف و مود روز بیژن ایرانی دوست یا معامله گر همیشگی عبدالله خون را بعد از مرگش در سانتا مونیکای کالیفورنیای جنوبی لیلام کردند مغازه ایکه بر شیشه های

بیرونی آن نام خفت بار **عبدالله عبدالله وزیر امور خارجه افغانستان را / در قطار دو شهزاده عرب تبار /** بدرستی نوشته بودند که این چهره نامرد حاضر بوده هر دست دریشی معمولی / ۲۰۰ / ۳۰ دالری آن ایرانی کهنه کار و گرگ باران دیده را بین ۱۲۰۰۰ تا ۱۶۰۰۰ دالر و بالاتر از آن معامله کند و میگویند معامله هم به مفهومی بوده که محتویات محموله های قاچاقی سنگ های قیمتی لاجورد و زمرد و بیروچ وزیر صاحب مجاهد نشان را طوری معامله میکردند که از شیرینی آن ها البسه رنگین این ملتی میلیونر جهاد نشان میریخت! و بیژن خود هم لقمه قابل هضمی نبوده که از حلقوم کوچک و جاغور فیل مرغی عبدالله خون بگذرد.

دوستان گرامی! و گرچه موضوع اصلی و قابل تذکره محض فیشن شوی چشم گیر عبدالله خون مجاهد بوده است اما با قرائت سوانح نوین جعلی شان بحیث رئیس اجراییه بخششی دوستانه دولت بی اتفاق! که چنین می نویسند/ پدر شان "غلام محی الدین خان زمیریانی" سناتور انتصابی ولایت قندهار در دور آخر پارلمان دولت شاهی است/ که لازم شمردم:

۱- بر بنیاد یادداشت های مرحوم مولانا رشاد که ناکح والده بیوه این جناب با شوهر دوم یعنی مرحوم غلام محی الدین خان هلمندی بوده و **در همان محفل عبدالله خون خود طفل ۶/۵ ساله بوده البته از شوهر اول مادر خود** و ازین است که فرزند اصلی مرحوم غلام محی الدین خان هلمندی/ از خانم اولش/ جنرال عبداللطیف نام دارد که او مانند پدر مرحومش خود را هلمندی معرفی میکند. ولی عبدالله خون - خود را عبدالله عبدالله مینامد!

۲- امید قوی دارم که روزی دست عدالت خداوندی و قدرت قضاوت بی آایشانه ملی و اجتماعی جنایات این جنگسالار و ناموس گشتی را که بداستان دنباله داری می مامند مخصوصاً دوران ۶ سال خفت بار وزارت خارجه او را که از قصر مرمر بهشت مکان داود خان شهید - فاحشه خانه ساخته بود! و هنوز هم دوام دارد - چنان به محکمه عادلانه بکشاند - که جزای غرغره و اعدام در آن ابراز شرمندگی خواهد کرد. پایان کلام امروز

ادامه دارد